



بررسی ساخت تجربه‌گر در گویش تاتی جوئنی

راحله ایزدی فر^۱

چکیده

گویش جوئنی از گویش‌های تاتی، از شاخه شمال غربی گروه زبان‌های ایرانی به شمار می‌رود و هم‌اکنون در روستای جوئنی رایج است. این روستا در دهستان رستم‌آباد جنوبی در بخش مرکزی شهرستان رودبار در استان گیلان واقع است. هدف از تحقیق کنونی، بررسی ساخت‌های تجربه‌گر در گویش جوئنی است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ساخت‌های مذکور در جوئنی دارای ویژگی‌هایی متمایز از دیگر ساخت‌ها هستند. فعل این جملات فعلی رخدادی نیست بلکه به نوعی فرایند ذهنی یا حسی اشاره دارد. افعال این جملات نیازمند فاعلی است که نقش معنایی تجربه‌گر (experiencer) داشته باشد. به عبارت دیگر، در این جملات، نقش معنایی فاعل تجربه‌گر است و نه عامل.

کلیدواژه‌ها: تاتی، جوئنی، ساخت تجربه‌گر

مقدمه

ساخت‌های تجربه‌گر در برخی زبان‌های ایرانی کنونی از جمله فارسی، گیلکی و مازندرانی کاربرد دارند. نمونه‌هایی همچون خوشم آمد، بسّم است، عارت میاد، دردش آمد، خوابان می‌آید، خشکم زد و نظایر آن در زبان فارسی از جمله این ساخت‌ها به‌شمار می‌روند و بیشتر زبان‌شناسان آنها را از جمله ساخت‌های غیرشخصی^۱ به‌شمار آورده‌اند. راسخ‌مهند (۱۳۸۶) اطلاق نام ساخت غیرشخصی به این ساخت‌ها در زبان فارسی را نادرست دانسته، زیرا ساخت‌های غیرشخصی فاقد فاعل هستند اما به باور او (همو: ۲۳۷) این ساخت‌ها دارای فاعل هستند با این تفاوت که بر خلاف جملات عادی زبان فارسی، که شناسه‌ها وظیفه نشان دادن مطابقت فاعلی را بر عهده دارند، در این ساخت‌ها، این وظیفه بر عهده پی‌بست‌هاست که دست‌نویسان از آنها تحت عنوان ضمایر مفعولی متصل نام می‌برند و راسخ‌مهند (همو) این پی‌بست‌ها را در این ساخت‌ها، پی‌بست‌های فاعلی نامیده که کاربردی مانند شناسه دارند.

معرفی و بررسی ساخت‌های مذکور مورد توجه دست‌نویسان و زبان‌شناسان ایرانی و غیرایرانی متعددی بوده است. به‌عنوان نمونه، نجفیان و واحدی لنگرودی (۱۳۸۲)، لنگرودی (۱۳۸۵)، راسخ‌مهند (۱۳۸۶) و گلچین عارفی (۱۳۹۰) به‌طور خاص به بررسی این ساخت‌ها در زبان فارسی پرداخته‌اند. بررسی این ساخت‌ها در برخی زبان‌های ایرانی نیز انجام گرفته است، از جمله، درزی و دانای طوسی (۱۳۸۳) و رستمی سماک و دیگران (زیر چاپ) ساخت‌های غیرشخصی در گیلکی شهرستان‌های لاهیجان و لنگرود، شکری (۲۰۱۰) ساخت‌های غیرشخصی مازندرانی و کاظم‌پور (۱۳۸۹) ساخت‌های غیرشخصی گویش تاتی رودبار را بررسی کرده‌اند. رستمی سماک و همکاران (زیر چاپ) مثال (۱) را از گویش گیلکی شهرستان لنگرود ذکر کرده‌اند و آن را نمونه‌ای از ساخت غیرشخصی در گیلکی دانسته‌اند.

1) zak-on-ə un-ə je xoš han-ə.
kid-PL-rā that-EZ from like come-3SG

بچه‌ها از آن خوششان می‌آید.

به باور آنان این ساخت در گیلکی دارای ساختار و قالب مشخصی است. در پیکره جملات ذکرشده در فرهنگ گویش تاتی جوبنی علیزاده جوبنی (۱۳۸۹) نیز می‌توان جملاتی را مشاهده کرد که دارای ویژگی‌هایی مشابه مثال (۱) از گیلکی هستند. این شباهت‌ها در حالی است که این ساخت با ویژگی‌های مشترک با گیلکی در دیگر گویش‌های تاتی دیده نمی‌شود و شباهت بین گویش تاتی جوبنی و گویش‌های مختلف زبان گیلکی در این ساخت را می‌توان به علت تماس زبانی بین این گویش‌ها دانست.

هدف از تحقیق کنونی، بررسی ساخت‌های تجربه‌گر در گویش جوبنی است که از جمله گویش‌های زبان تاتی است که خود از شاخه شمال غربی گروه زبان‌های ایرانی به‌شمار می‌رود.

پس از این بخش مقدماتی، در ادامه مقاله به تعریف تجربه‌گر و طرح اجمالی پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در مورد این ساخت می‌پردازیم. بخش بعدی به بررسی پیامد تماس زبانی بر ساخت‌های تجربه‌گر در گویش جوبنی زبان تاتی اختصاص دارد. بخش پایانی مقاله، نتیجه‌گیری است.

پیشینه پژوهش

بررسی ساخت تجربه‌گر مورد توجه پژوهشگران متعددی قرار گرفته است. در این بخش نخست به مرور تعاریف ساخت تجربه‌گر و در ادامه به طرح اجمالی پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در مورد این ساخت‌ها در زبان گیلکی و تاتی رودبار می‌پردازیم.

ساخت تجربه‌گر

در زبان‌های دارای ساخت پایهٔ جملهٔ عامل^۱ - پذیرا^۲ که دارای الگوی حالت‌نمایی فاعلی - مفعولی یا کنایی - مطلق هستند، فاعل‌های دارای حالت «غیرمستقیم^۳» یا «غیرمتعارف^۴» دارای رفتاری متفاوت با دیگر فاعل‌ها هستند. این فاعل‌های غیرمتعارف با حالت فاعلی (بی‌نشان) یا کنایی نشان داده نمی‌شوند و در عوض، حالت‌هایی همچون حالت‌نمای غیرمستقیم از جمله حالت مفعولی، برای^۵، اضافی یا ابزاری که معمولاً برای نشان‌دادن فاعل‌های متعارف استفاده نمی‌شود. برای نشان‌دادن حالت این فاعل‌ها به کار می‌رود. نشان‌دادن فاعل با حالت غیرمستقیم با نقش معنایی «تجربه‌گر^۶» در مقابل نقش «عامل» همراه است (وربکه^۷ و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۳). مثال‌های زیر از هندی، ساخت تجربه‌گر را نشان می‌دهند: مثال (۲- الف) ساخت عامل - پذیرا با الگوی حالت‌نمایی فاعلی و مثال (۲- ب) فاعل تجربه‌گر را با حالت غیرفاعلی (غیرمستقیم) نشان می‌دهد (وربکه^۸ و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۳-۲۴):

2) Hindi

a) maim laṛkī=ko dekh-tā hūm.
I.NOM girl=ACC see-PTCP.PRS AUX.1SG
'I'm watching the girl.'

b) mujhe būkh lag-ī.
I.OBL hunger.NOM.F is attached-F.SG
'I am hungry.'

1. agent
2. patient
3. oblique
4. non-canonical
5. dative
6. experiencer
7. Verbeke
8. Verbeke

ساخت‌های تجربه‌گر در بسیاری زبان‌های جهان دارای ساخت خاصی هستند. لانگاکر (۱۹۸۳: ۱۵۵) نقش معنایی تجربه‌گر را نقشی دانست که در آن «نظام عصبی یک موجود زنده با گزاره مرتبط باشد» و این نقش شامل دانش حقیقی، تمایلات، شناخت، احساسات و ذهن و رفتار می‌شود. نقش تنای تجربه‌گر به‌عنوان نقشی مابین عامل نمونه^۱ و پذیرای نمونه^۲ تعریف می‌شود. جدول زیر، ویژگی‌های معنایی عامل نمونه، پذیرای نمونه و تجربه‌گر را نشان می‌دهد (بوگنهایگن^۳، ۱۹۹۰: ۱۸۴-۱۸۵):

جدول ۱: ویژگی‌های معنایی مشخص‌کننده نقش تنای تجربه‌گر در مقایسه با عامل نمونه و پذیرای نمونه

تجربه‌گر	پذیرای نمونه	عامل نمونه	
+	-	+	موجودیت انسانی
-/+	-	+	اراده
-/+	-	+	ابتکار شروع عمل
-/+	-	+	کنترل
+	-	+	توانایی حسی
+	+	-	تحت تأثیر واقع شدن

بر اساس این تعریف، ویژگی‌های شبیه عامل و شبیه‌پذیرا در توصیف نقش تجربه‌گر با هم مشابه هستند. بر این اساس، تجربه‌گر از سویی دارای ویژگی‌های معنایی مشترک موجودیت انسانی و توانایی حسی با عامل نمونه و ویژگی مشترک تحت تأثیر واقع شدن با پذیرای نمونه است و برای دیگر ویژگی‌ها از جمله اراده، ابتکار شروع عمل و کنترل مشخص نمی‌شود. نشان‌دادن متفاوت تجربه‌گر به‌صورت فاعل دستوری یا مفعول دستوری نشان‌دهنده مفهوم‌سازی متفاوت موقعیت‌های تجربه‌گر است (بوگنهایگن، ۱۹۹۰: ۱۸۴-۱۸۵). زمانی که تجربه‌گر به‌صورت فاعل یک گزاره عاطفی نشان داده می‌شود این بدان معناست که دخالت فعال، ارادی و کنترل‌شده در آن عمل دارد و در صورتی که تجربه‌گر به‌صورت مفعول یک گزاره عاطفی نشان داده شود به عنوان شرکت‌کننده غیرفعال با دخالت غیرارادی در آن موقعیت مفهوم‌سازی می‌شود.

اصطلاح ساخت تجربه‌گر به بندهایی اطلاق می‌شود که الف) یک تجربه ذهنی یا جسمانی درونی را نشان دهند و ب) شرکت‌کننده تجربه‌گر را به‌صورت زبانی بیان کنند (بشر، ۲۰۰۳: ۸). ساخت‌های تجربه‌گر ادراکی از سه واحد شناختی تشکیل می‌شوند (ره^۴، ۱۹۹۸ الف: ۲ و ره، ۱۹۹۸ ب):

۱- تجربه‌گر: شرکت‌کننده‌ای که تجربه جسمی درونی یا ذهنی را تجربه می‌کند و از آن آگاه است.

1. prototypical agent
2. prototypical patient
3. Bugenhagen
4. Reh

۲- تجربه: تجربه جسمی درونی یا ذهنی

۳- پدیده: شرکت‌کننده‌ای که سبب تجربه جسمی درونی یا ذهنی می‌شود.

این واحدها به لحاظ زبانی با یک واحد چهارم یعنی گزاره کامل می‌شوند که موضوع را به یک بند تبدیل می‌کند. موقعیت‌های تجربه‌گر شامل شش حوزه زیر و زیرحوزه‌های تجربه جسمی درونی و ذهنی هستند (ره، ۱۹۹۸، الف: ۲):

جدول ۲: حوزه‌ها و زیرحوزه‌های موقعیت‌های تجربه‌گر

احساسات	شناخت	ادراک	خواست	حسی	جسمی
خشم	دانستن	باور کردن	خواستن	دیدن	درد
ترس	فهمیدن	اعتماد داشتن	نیاز داشتن	شنیدن	سرما
لذت/شادی	به یاد آوردن	فکر کردن	حسادت	بو کردن	عرق کردن
عشق	فراموش کردن	فرض کردن	رضایت		گرسنگی
نگرانی	متعجب شدن	شک کردن			مریضی
شرم					بارداری
نامیدی					
ناراحتی					
تنفر					
تأثر					
حسادت					

در این بخش به معرفی ساخت تجربه‌گر پرداختیم. در بخش بعد به مرور پیشینه پژوهش در مورد ساخت تجربه‌گر در زبان گیلکی و تاتی رودبار می‌پردازیم.

پیشینه پژوهش در زبان گیلکی و تاتی رودبار

درزی و دانای طوسی (۱۳۸۳) به بررسی ساخت غیرشخصی در گویش گیلکی شهرستان لاهیجان پرداخته‌اند. گیلکی زبانی ضمیرانداز است و در جملات آن ضمیر فاعلی می‌تواند محذوف باشد و شخص و شمار فاعل از روی شناسه فعل قابل شناسایی است. در این زبان فاعل از لحاظ شخص و شمار با فعل مطابقت می‌کند. درزی و دانای طوسی (۱۳۸۳) بر این باورند که جملات غیرشخصی به جملاتی گفته می‌شود که فعل آنها با فاعل جمله مطابقت ندارد و شناسه فعلی این جمله‌ها از نظر صوری سوم شخص مفرد است. در گیلکی در این گونه جملات به همراه گروه اسمی ابتدای جمله «را» و در صورت وجود ضمیر، این ضمیر به صورت ضمیر مفعولی ظاهر می‌شود. آنان مثال زیر را به عنوان نمونه‌ای از این ساخت‌ها در گیلکی ذکر کرده‌اند:

- 3) ma təšna.
I-AC thirsty-is

تشنه هستم.

برخی از افعالی که در چنین ساخت‌هایی شرکت می‌کنند (گرم شدن)، *gərm bon* (سرد شدن)، *sərd bon* (تشنه شدن/ بودن) هستند و افعال کلیه جملاتی از این دست از نوع افعال حسی است. افعال حسی براساس چارچوب زیرمقوله‌ای خود به یک عنصر موضوعی درونی (متمم) با نقش معنایی تجربه‌گر نیاز دارند (درزی و دانای طوسی، ۱۳۸۳: ۲۳). درزی و دانای طوسی (۱۳۸۳) به تعیین نقش نحوی گروه اسمی ابتدای این گونه جملات در چارچوب نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی پرداخته است و به این نتیجه رسیده که گروه اسمی ابتدای این ساخت‌ها مفعول زیرساختی است که برای برآورده کردن اصل فرافکنی گسترده در سطح ساخت ظاهری به جایگاه تهی می‌رود.

رستمی سماک و همکاران (زیر چاپ) نیز به بررسی ساخت‌های غیرشخصی در گویش گیلکی شهرستان لنگرود اختصاص دارد. آنان مثال زیر را به عنوان نمونه‌ای از ساخت غیرشخصی در این گویش ذکر کرده‌اند.

4) *zak-on-ə un-ə ʃe xoš han-ə.*
kid-PL-rā that-EZ from like come-3SG

بچه‌ها از آن خوششان می‌آید.

به باور آنان این ساخت در گیلکی دارای ساختار و قالب مشخصی است. گروه اسمی ابتدای جمله در شخص و شمار با فعل مطابقت ندارد و فعل به صورت سوم شخص مفرد است. برخلاف معادل این ساخت در فارسی، در گیلکی میان جزء غیرفعلی و فعل، پی‌بست ضمیری وجود ندارد. این ساخت در گیلکی دارای سه عنصر اساسی زیر است:

الف) یک گروه اسمی به همراه نشانه «را *rā*» (تکواژگونه‌های «را» شامل [-ə]، [-e] و [-rə]) و یا یک ضمیر دارای حالت برایی

ب) اسم‌ها و یا صفت‌هایی مانند گشنه، تشنه، خواب، خوش، بد، سرد، گرم و غیره

ج) همکردهایی مانند *gitən* (گرفتن)، *bo:n* (بودن)، *haman* (آمدن) و غیره

به باور آنان در این ساخت‌ها عنصر غیرفعلی به عنوان هسته گزاره، نقش معنایی تجربه‌گر به گروه اسمی ابتدای جمله اعطا می‌کند و این گروه اسمی متمم حرف اضافه پسایند «را» است و با آن تشکیل یک گروه حرف اضافه‌ای می‌دهد و در زیرساخت نحوی در جایگاه شاخص گروه اسنادی (محمول غیرفعلی) ادغام می‌شود. آنان گروه حرف اضافه‌ای را مبتدای روساختی در نظر گرفته‌اند. رستمی سماک و همکاران (زیر چاپ) ساخت‌های غیرشخصی در گویش گیلکی شهرستان لنگرود را در چارچوب نظریه کمینه‌گرا بررسی کرده‌اند و به تعیین ماهیت عنصر غیرفعلی و نحوه اطلاق حالت به گروه اسمی ابتدای این جملات و تبیین جایگاه زیرساختی و روساختی این سازه پرداخته‌اند.

کاظم‌پور (۱۳۸۹) به توصیف ساخت‌های غیرشخصی در گویش تاتی رودبار بر پایه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی پرداخته است. وی فعل این ساخت‌ها را نامفعولی دانسته که قادر به اطلاق حالت ساختاری به موضوع درونی خود نیست. وی همچنین به این نتیجه رسیده که گروه اسمی ابتدای این جملات مفعول

زیرساختی است که برای برآورده نمودن اصل فرافکنی گسترده در روساخت جابجا می‌شود و به جایگاه تپی فاعلی می‌رود.

پس از معرفی ساخت تجربه‌گر و مرور تحقیقات انجام‌شده در مورد این ساخت در گویش گیلکی و تاتی رودبار در این بخش، در بخش بعد به بررسی ساخت تجربه‌گر در گویش تاتی جوینی می‌پردازیم.

ساخت تجربه‌گر در جوینی

گویش جوینی از گویش‌های تاتی به‌شمار می‌رود که هم‌اکنون در روستای جوین رایج است. روستای جوین در دهستان رستم‌آباد جنوبی در بخش مرکزی شهرستان رودبار در استان گیلان واقع است. جمعیت این روستا در سرشماری سال ۱۳۹۰ کشور، ۱۵۹۶ بوده است. تنها اثری که به گویش جوینی اختصاص دارد کتاب فرهنگ عزیزاده جوینی (۱۳۸۹) است که واژگان و اصطلاحات گویش جوینی را گردآوری کرده است و شامل دستور زبان مختصری از این گویش نیز می‌باشد. همچنین برای برخی از واژگان این فرهنگ، مثالی در قالب جمله آورده شده است و از این جملات در تحقیق کنونی به‌عنوان پیکره زبانی استفاده شده است.^۱

برخلاف بسیاری از گویش‌های تاتی که دارای نظام انطباق حساس به زمان دستوری هستند، نظام انطباق جوینی در هر دو زمان حال و گذشته به یک صورت است و از نظام انطباق فاعلی - مفعولی پیروی می‌کند. اسم‌ها و ضمائر جوینی دارای دو حالت و دو شمار می‌باشند. برخلاف بیشتر گویش‌های تاتی، جنس دستوری در جوینی وجود ندارد. گروه‌های اسمی اصلی در جوینی با دو حالت مختلف نشان داده می‌شوند. کاربرد این دو حالت عبارتند از:

۱. حالت مستقیم با نشانه صفر برای نشان دادن فاعل فعل لازم و متعدی و مفعول نکره. برای مثال:
فاعل فعل لازم:

5) ahmad āhāy.
PN.Dir come.Prs.3Sg

احمد الان می‌آید.

فاعل فعل متعدی:

6) maryam asəb xor-ə.
PN.Dir apple.Dir eat.Prs-3Sg

مریم سیب می‌خورد.

مفعول نکره:

7) ruzi ye tā asəb xor-om.
everyday one Cl apple.Dir eat.Prs-1Sg

روزی یک سیب می‌خورم.

۱. از جناب آقای دکتر علی عزیزاده جوینی، گویشور محترم گویش جوینی که در تهیه مثال‌های جوینی و بحث در روشن‌شدن مباحث این مقاله به نگارنده کمک شایانی کردند، بسیار سپاس‌گزارم.

۲. حالت غیرمستقیم با نشانه \bar{a} یا $r\bar{a}$ یا $r\bar{ə}$ که به انتهای اسم یا گروه اسمی و ضمائر اضافه می‌شود و برای نشان دادن حالت مفعول مستقیم معرفه و مفعول غیرمستقیم و مفعول برایی به کار می‌رود. برای مثال: مفعول مستقیم معرفه:

- 8) bar- \bar{a} dabast.
door-Obl close.Imp.2Sg

در را ببند (علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹: ۵۲).

مفعول غیرمستقیم:

- 9) mo k $\bar{a}y$ -on- \bar{a} $\bar{a}d$ -om g $\bar{a}v$ -on- \bar{a} .
1Sg.Dir straw-Pl-Obl give.Prs-1Sg cow-Pl-Obl

من گاه‌ها را به گاوها می‌دهم.

مفعول برایی:

- 10) har $\check{c}\bar{a}$ xurd $\bar{ə}$ - $r\bar{ə}$ juraf $\bar{a}g$ ir-om y $\bar{ə}$ ruz $\bar{ə}$ bargan- $\bar{ə}$.
every thing child-Obl sock buy.Prs-1Sg one day tear.Pst-3Sg

هر چه برای بچه جوراب می‌خرم یک روزه پاره می‌کند (علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹: ۶۱).

تقابل دو حالت‌نمای مستقیم و غیرمستقیم را می‌توان در کلمه «بچه‌ها» در جملات زیر نیز مشاهده نمود: حالت مستقیم:

- 11) m $\bar{ə}$ xurd-on $\check{c}\bar{a}k\bar{a}\check{c}\bar{a}k$ jing kon-on.
2Sg:Poss child-Pl.Dir always fight do.Prs-3Pl

بچه‌هایم همیشه دعوا می‌کنند (علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹: ۱۱۲).

حالت غیرمستقیم:

- 12) xurd-on- \bar{a} t $\bar{ə}$ mar \bar{a} bor.
child-Pl-Obl 2Sg:Poss with bring.Imp.2Sg

بچه‌ها را همراه خودت بیاور (علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹: ۴۲).

ضمایر جوبنی نیز در دو گروه اصلی ضمایر مستقیم و غیرمستقیم قرار می‌گیرند. این دو گروه ضمایر در جوبنی از نوع کلمه مستقل به‌شمار می‌روند و هیچ یک در گروه واژه‌بست قرار نمی‌گیرند و می‌توانند به‌طور مستقل در جمله به‌کار روند. ضمایر متصل یا واژه‌بستی در جوبنی به‌کار نمی‌روند. ضمایر جوبنی در جدول زیر نشان داده شده‌اند:

جدول ۳: ضمایر جوبنی (علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹: ۲۰)

اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	
مفرد	مفرد	مفرد	جمع	جمع	جمع	
mo	to	on	o \check{s} on	šom \bar{a}	ām \bar{a}	مستقیم
m $\bar{ə}r\bar{a}$, m $\bar{ə}r\bar{ə}$	t $\bar{ə}r\bar{a}$, t $\bar{ə}r\bar{ə}$	on \bar{a}	o \check{s} on \bar{a}	š $\bar{ə}m\bar{ə}r\bar{a}$	am $\bar{ə}r\bar{a}$	غیرمستقیم

حالت‌نمای غیرمستقیم دارای سه واج‌گونه \bar{a} ، $r\bar{a}$ ، و $r\bar{ə}$ است و در جملات مختلف ممکن است هریک از این واج‌گونه‌ها به کار روند. برای مثال در جمله (۱۳) زیر واج‌گونه $r\bar{a}$ و در جمله (۱۴) واج‌گونه $r\bar{ə}$ برای نشان دادن حالت فاعل در کنار ضمیر اول شخص مفرد به کار رفته‌اند.

- 13) *diri vastə bəš-om ārəsi, mə-rā vir āšə.*
 yesterday must go.Pst-1Sg wedding 1Sg-Obl memory go.Pst.3Sg
 دیروز می‌بایست به عروسی می‌رفتم، یادم رفت (علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹: ۲۶۷).

- 14) *mə-rə vir āšə.*
 1Sg-Obl memory go.Pst.3Sg

فراموشم شد (علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹: ۲۷۳).

نمونه‌ای دیگر از واج‌گونه‌های حالت غیرمستقیم را می‌توان در جمله‌های زیر مشاهده کرد. در جمله (۱۵) واج‌گونه $r\bar{a}$ و در جمله (۱۶) واج‌گونه $r\bar{ə}$ برای نشان دادن حالت مفعول مستقیم در کنار ضمیر دوم شخص مفرد به کار رفته‌اند.

- 15) *tə-rā əstəfār bəgita b-om bəvan-om sigār kaš i yā nā.*
 2Sg-Obl watch take be.Pst-1Sg see.Prs-1Sg cigarette smoke.Prs-2Sg or not
 تو را زیر نظر گرفته بودم ببینم سیگار می‌کشی یا نه (علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹: ۴۳).

- 16) *tə-rə gə van-om mə-rə tav daganə.*
 2Sg-Obl that see.Pst-1Sg 1Sg-Obl fever get.Prs.3Sg

تو را که می‌بینم دچار تب می‌شوم (علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹: ۹۶).

در جوبنی افعال به چهار نوع افعال ساده، افعال پیشوندی، افعال مرکب و افعال مرکب پیشوندی تقسیم می‌شوند. افعال $\bar{s}iyan$ «رفتن»، $ziyan$ «زدن» و $gitan$ «گرفتن» نمونه‌ای از افعال ساده هستند. افعال $bar\ kordan$ «بیرون کردن»، $\bar{a}\ xordan$ «خوردن» و $\bar{a}\ katan$ «گیر کردن» از نوع افعال پیشوندی، و افعال $xavar\ \bar{a}diyan$ «خبر دادن»، $zoG\ kordan$ «شادمانی کردن»، و $saxt\ gitan$ «سخت گرفتن»، $sar\ \bar{a}katan$ «سر در آوردن»، $v\bar{a}\ dagandan$ «تاب آویختن»، $tij\ \bar{a}kordan$ «تیز کردن» از نوع افعال مرکب و $v\bar{a}z\ \bar{a}\ kordan$ «باز کردن» از نوع افعال مرکب پیشوندی هستند (علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹). افعال جوبنی ممکن است لازم یا متعدی باشند. برای مثال فعل $bu\ dagitan$ به معنای «بو گرفتن یا بدبو شدن» فعلی لازم است و تنها به یک موضوع فاعلی نیاز دارد و فعل $bu\ dagandan$ به معنای «بوی بد ایجاد کردن» فعلی متعدی است و علاوه بر فاعل به موضوع مفعول نیز نیاز دارد. جمله‌های زیر این تقابل را در مورد بند حاوی اسم «خانه» نشان می‌دهد:

- 17) *mālom bošxāv-on-ā nošust-ay, xonə bu dagitə.*
 probably plate-Pl-Acc not.wash.Pst-2Sg house.Dir smell take.Pst.3Sg
 لابد بشقاب‌ها را نشسته‌ای، خانه بو گرفته است (علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹: ۶۸).

- 18) *māyiy-ā birin pāG ākon, xon-ā bu dagand-i.*
 fish-Acc out clean make.Imp.2Sg house-Acc smell make.Pst-2Sg

ماهی را بیرون پاک کن، خانه را بد بو کرده‌ای (علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹: ۶۸).
از سوی دیگر، مصدر افعال جوبنی به سه گروه ساده، مرکب و پیشوندی تقسیم می‌شود و هر یک از این گروه‌ها شامل افعال لازم و متعدی هستند. آن دسته از افعالی که «مصدر مرکب لازم» نامیده می‌شوند تنها دارای یک موضوع هستند که این موضوع، فاعل است و منظور از «مصدر متعدی» افعالی است که غیر از فاعل، به موضوع مفعول نیز برای کامل شدن معنای فعل نیاز دارند (علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹). این گروه از افعال جوبنی در همهٔ زمان‌ها با فاعل بند مطابقت دارند و شخص و شمار فاعل را نشان می‌دهند. صرف فعل گذشتهٔ ساده از مصدر سادهٔ *šīyan* «رفتن» عبارتست از:

جدول ۴: صرف فعل گذشتهٔ ساده مصدر سادهٔ *šīyan* «رفتن» در جوبنی

(علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹: ۲۰)

bəšam	رفتیم	bəšām	رفتید
bəšan	رفتید	bəšay	رفتند
bəšān	رفتند	bəšə	

جملات (۱۹) تا (۲۱) زیر نشان می‌دهند که در زمان حال و گذشته در جملات حاوی فعل ساخته شده با مصدر ساده، فاعل در صورت بیان آشکار در جمله با حالت مستقیم نشان داده می‌شود و با فعل جمله به لحاظ شخص و شمار مطابقت دارد.

- 19) ahmad asəb xor-ə.
PN.Dir apple.Dir eat.Prs-3Sg

احمد سیب می‌خورد.

- 20) mo vā i kəlkāy-ā bəbar-om.
1Sg.Dir must this girl-Obl take:Prs-1Sg

من باید با این دختر ازدواج کنم (علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹: ۶۰).

- 21) hasan mərə mə piyar mār-ə jā dagand.
PN.Dir 1Sg.Obl 1Sg.Poss father mother-Gen Post:from tear.Pst.3Sg

حسن مرا از پدر و مادرم برید (علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹: ۱۴۶).

با بررسی افعال از نوع مصدر مرکب لازم درمی‌یابیم که تفاوت‌هایی در ساخت جملهٔ این افعال وجود دارد و این جملات را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. برای مثال در فرهنگ مذکور با مدخل *tanir da.kord.an* به معنای «تنور را برافروختن» مواجه می‌شویم که جمله (۲۲) برای آن به عنوان نمونه آورده شده است:

- 22) əmru vā tanir dakon-om.
today must stove.Dir turn on.Prs-1Sg

امروز باید تنور را برافروزم (نان بپزم) (علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹: ۹۶).

با توجه به مثال (۲۲) که حاوی مصدر مرکب لازم است درمی‌یابیم که فاعل این جمله، اول شخص مفرد است که به دلیل وجود مطابقه بین فعل و فاعل به لحاظ شخص و شمار، فاعل به صورت آشکار بیان نشده است.

در صورتی که فاعل جملات دارای فعل ساخته شده با این گروه از مصادر مرکب لازم به صورت آشکار در جمله بیان شود، با حالت‌نمای مستقیم که نشانه آن صفر است همراه خواهد بود، برای مثال:

23) mə yərāG-on nālajay naft-ā āši āb-ān.
1Sg.Poss cloth-Pl.Dir little oil-Obl contact become.Pst-3Sg

لباس‌هایم اندکی با نفت تماس یافت (علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹: ۳۲).

بنابراین فاعل این گروه از افعال ساخته شده از مصدر مرکب لازم با حالت مستقیم نشان داده می‌شود و فعل بند با فاعل به لحاظ شخص و شمار مطابقه دارد و از این رو، فاعل از بند قابل حذف است. صرف فعل گذشته ساده از مصدر مرکب zoG kordan «ذوق کردن، شادمانی کردن» عبارتست از:

جدول ۵: صرف فعل گذشته ساده مصدر مرکب zoG kordan «ذوق کردن، شادمانی کردن»

در جوبنی

zoG bokord-am	ذوق کردیم	zoG bokord-om	ذوق کردم
zoG bokord-an	ذوق کردید	zoG bokord-i	ذوق کردی
zoG bokord-on	ذوق کردند	zoG bokord	ذوق کرد

با بررسی جملات ذکر شده برای گروهی دیگر از مدخل‌های از نوع مصدر مرکب لازم در می‌یابیم که بر خلاف گروه قبلی، در بندهای ساخته شده با این گروه از مصادر مرکب، فاعل با حالت مستقیم نشان داده نمی‌شود و دارای مطابقه با فعل نیست. بند دوم دو مثال زیر این تفاوت را نشان می‌دهد.

24) GātoG-ə miyon mi dab-ə mə-rā dəl ānəgit boxor-om.
food-Gen Post:in hair be.Pst-3Sg 1Sg-Obl stomach not like.Pst.3Sg eat.Prs-1Sg

داخل خورشت مو بود، دلم نیامد بخورم (به خوردن رغبت نکردم) (علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹: ۱۴۷).

25) i gav-ā gə bəz-ə mə-rə dard bokord.
this speech-Obl that hit.Pst-3Sg 1Sg-Obl pain make.Pst.3Sg

این حرف را که زد بسیار ناراحت شدم (علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹: ۱۳۹).

فعل بند دوم جمله‌های (۲۴) و (۲۵) بالا با فاعل بند مطابقه ندارد و گرچه فاعل اول شخص مفرد است، فعل به صورت سوم شخص مفرد باقی مانده و بر خلاف گروه نخست مصادر مرکب لازم، فاعل با فعل بند مطابقه ندارد. تفاوت این دو گروه را در دو مثال زیر می‌توان با هم مقایسه کرد:

26) āv yax bəzə.
water.Dir ice hit.Pst.3Sg

آب یخ بست (علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹: ۲۸۰).

27) mə-rā yax bəzə.
1Sg-Obl ice hit.Pst.3Sg

(من) یخ زدم (علیزاده جوینی، ۱۳۸۹: ۲۸۰).

هر دو فعل مثال‌های (۲۶) و (۲۷) از مصدر yax ziyā ساخته شده‌اند اما فاعل جمله (۲۶) با حالت مستقیم و نشانه حالت صفر نشان داده شده است و با فعل دارای مطابقت شخص و شمار است. در مقابل، فاعل جمله (۲۷) که اول شخص مفرد است با حالت غیرمستقیم نشان داده شده و با فعل جمله که سوم شخص مفرد است به لحاظ شخص و شمار مطابقت ندارد.

اکنون این سوال مطرح می‌شود که چرا با وجودی که فعل جملات (۲۶) و (۲۷) یکسان و از یک مصدر است، فاعل جمله نخست با حالت مستقیم و فاعل جمله دوم با حالت غیرمستقیم نشان داده می‌شود.

صرف فعل گذشته ساده از مصدر مرکب لازم paxili umiyan «حسودی شدن» که آن نیز از نوع گروه دوم مصادر مرکب لازم گویش جوینی است به همراه فاعل‌های مختلف آن در جدول (۴) آورده شده است:

جدول ۶: صرف فعل گذشته ساده مصدر مرکب paxili umiyan «حسودی شدن» در جوینی

amə-rā paxili bomə	حسودی‌مان شد	mə-rə paxili bomə	حسودی‌ام شد
šəmə-rā paxili bomə	حسودی‌تان شد	tə-rə paxili bomə	حسودی‌ات شد
ošon-ā paxili bomə	حسودی‌شان شد	on-ā paxili bomə	حسودی‌اش شد

بررسی نمونه‌های مختلف جملاتی که فاعل آنها با حالت غیرفاعلی همراه است نشان می‌دهد که فعل این گونه جملات جزء افعال حسی است و بیشتر این افعال از مصدر مرکب ساخته شده‌اند. رایج‌ترین افعالی که در این ساخت‌ها به کار می‌روند عبارتند از افعال gitan «گرفتن»، kordan «کردن»، biyan «بودن»، ziyā «زدن»، katan «افتادن»، bardan «بردن»، umiyan «آمدن»، šiyan «رفتن» و فعل‌های پیشوندی حاوی آنها. نمونه‌هایی از این افعال و کاربرد آنها در جمله در جدول زیر آورده شده است:

جدول (۷): افعال تجربه‌گر از مصدر مرکب در جوینی

مثال جوینی به همراه معادل فارسی آن و شماره صفحه مثال در علیزاده جوینی (۱۳۸۹)	مصدر مرکب و معنی آن
mə-rə dard bokord. ناراحت شدم. (۱۳۹)	dard kord.an احساس درد کردن
mə-rā yax bəzə. (من) یخ زدم (۲۸۰)	yax ziyā احساس سرمای شدید کردن
mə-rə paxili bomə. حسودی‌ام شد.	paxili umiyan حسودی شدن
mə-rā dəl ānəgit.	dəl ā.git.an

دلم نیامد. (۱۴۷)	میل داشتن به چیزی
mə kark-on-ā dard bəgitə. مرغ‌هایم دچار بیماری شده‌اند. (۱۳۹)	dard git.an بیمار شدن
mə-rā dād girə. من گریه‌ام می‌گیرد. (۱۳۳)	dād git.an به گریه افتادن
me-rā jonxārəš bəgitə. تنم به خارش افتاده است. (۱۰۶)	jonxārəš git.an به خارش افتادن
xurd-ā əsāl bəgita bə. بچه اسهال گرفته بود. (۶۱)	əsāl git.an اسهال گرفتن
mə-rə Gəyz bəgit. خشمگین شدم. (۲۰۱)	Gəyz gitan خشمگین شدن
mə-rə Gossə bəgit. غصه‌ام گرفت.	Gossə git.an غصه‌دار شدن
mə-rā larz ukatə. دچار لرز شده‌ام. (۲۳۶)	larz u.kat.an دچار لرز شدن (از سرما یا ترس)
amə-rə biz ukat. دلما را زد. (۷۰)	biz u.kat.an بیزار شدن
vuz-ā kalm ākatə. در گردو کرم افتاده است. (۲۱۷)	kalm ā.kat.an دچار کرم زدگی شدن
tə yərāG-on-ā jik bəziy-ə. لباس‌هایت را بید زده است. (۱۰۷)	jik zi.yan دچار بیدزدگی شدن
mə-rə tav daganə. دچار تب (ناراحت) می‌شوم. (۹۶)	tav da.kat.an ناراحت شدن
zənak-ā vā barə. زنم پا به ماه است. (۲۶۵)	vā bard.an پا به ماه بودن
mə-rə vir bomə. یادم آمد. (۲۷۴)	vir u.mi.yan به یاد آمدن
tə-rə dəl āy? دلت می‌آد؟ (۱۴۷)	dəl u.mi.yan راضی شدن به چیزی
mə-rā vir āšə. یادم رفت. (۲۶۷)	vir āšiyan فراموش شدن، از یاد رفتن
mə-rə vir āšə. فراموشم شد. (۲۷۳)	vir āšiyan فراموش شدن، از یاد رفتن
mə-rə vir niyə. یادم نیست. (۲۷۳)	vir biyan یاد بودن
on-ā bāk nobu. بیم ندارد. (۵۶)	bāk biyan بیم داشتن
amə-rə gorsənāy. گرسنه‌ام است. (۴۶)	gorsənāy biyan گرسنه بودن

sak-ā garm bə.	سگ گرمش بود. (۶۷)	garm biyan	گرم بودن
mə-rə gim ə.	برایم تازگی دارد. (۲۳۴)	gim biyan	تازگی داشتن
tə-rə xāl ə.	خیال می‌کنی. (۱۲۲) (۲۳۵) (۱۳۷)	xāl biyan	تصور کردن، پنداشتن
mə-rə bāvar niyāy.	باورم نمی‌شود.	bāvar umiyan	باور داشتن
mə-rə bu āhāy.	بویی به مشامم می‌رسد.	bu āmadan	به مشام رسیدن

افعال این گروه در فرهنگ تاتی جوینی که بر اساس شمّ زبانی نویسنده آن گردآوری شده از نوع مصدر مرکب تلقی شده‌اند و این نشان می‌دهد که نویسنده این فرهنگ این افعال و ساخت‌های آنها را واژگانی شده در نظر گرفته است. همچنین از آنجا که فعل‌ها یا همکردهای محدودی در تشکیل دادن این ساخت‌ها دخالت دارند و هر فعلی را نمی‌توان در این ساخت‌ها به کار برد، باز هم مرکب بودن این ساخت‌ها طبیعی است. به عبارت دیگر، افعالی که دارای معنای کاملی هستند و مانند همکردهای فعل مرکب از معنی اصلی خود تهی نشده‌اند در تشکیل این ساخت‌ها نقشی ندارند. این افعال دارای معنای اصطلاحی (واژگانی) هستند. مثلاً معنای فعل مرکبی مانند *dəl ā.git.an* «میل داشتن به چیزی» را نمی‌توان از جمع معنای اجزای سازنده آن یعنی *dəl* «دل» و *ā.git.an* «گرفتن» به دست آورد.

همچنین تعداد اندکی از این جملات دارای مصدر ساده هستند. برای مثال:

جدول ۸: افعال تجربه گر از مصدر ساده در جوینی

mə-rā nəvāy.	من میل ندارم. (۲۶۷)	vā.st.an	میل داشتن
mə bərarāk-ā zən āvāy.	برادرم زن می‌خواهد. (۳۸)	ā.vā.st.an	میل داشتن

بررسی نقش معنایی فاعل در جملات بالا نشان می‌دهد در این ساخت‌ها فاعل دارای نقش معنایی تجربه‌گر است و فعل این جملات فعلی رخدادی نیست بلکه به نوعی فرایند ذهنی یا حسی اشاره دارد. فاعل این جملات نمی‌تواند عامل، وسیله یا دارای نقش‌های معنایی دیگر باشد. وجه مشترک فاعل این افعال دارا بودن نقش معنایی تجربه‌گر است: *mə-rə dard bokord* ناراحت شدم، *mə-rə vir bomə* یادم آمد، و نظایر آنها. افعال تجربه‌گر در جوینی را می‌توان به صورت جدول زیر تقسیم‌بندی کرد:

جدول ۹: حوزه‌ها و زیرحوزه‌های موقعیت‌های تجربه‌گر در جوئنی

حوزه	زیرحوزه	مثال
احساسات	خشم، ترس، لذت/شادی، عشق، نگرانی، شرم، ناامیدی، ناراحتی، تنفر، تاتر، حسادت	Gəyz gitan larz u.kat.an dād git.an tav da.kat.an biz u.kat.an Gossə git.an paxili umiyan خشمگین شدن دچار لرز شدن (از سرما یا ترس) به گریه افتادن ناراحت شدن بیزار شدن غصه دار شدن حسودی شدن
شناخت	دانستن، فهمیدن، به یاد آوردن، فراموش کردن، متعجب شدن	vir u.mi.yan vir āšīyan به یاد آمدن فراموش شدن، از یاد رفتن
ادراک	باور کردن، اعتماد داشتن، فکر کردن، فرض کردن، شک کردن	bāvar umiyan xāl biyan باور داشتن خیال کردن
خواست	خواستن، نیاز داشتن، حسادت، رضایت	dəl ā.git.an dəl u.mi.yan میل داشتن به چیزی راضی شدن به چیزی
حسی	دیدن، شنیدن، بو کردن	bu āmadan به مشام رسیدن
جسمی	درد، سرما، عرق کردن، گرسنگی، مریضی، بارداری	dard kord.an yax ziyan gorsənāy biyan dard git.an jonxārəš git.an əsāl bə.git.an kalm ā.kat.an jik zi.yan vā bard.an احساس درد کردن احساس سرمای شدید کرد احساس گرسنگی کردن درد گرفتن (بیمار شدن) به خارش افتادن اسهال گرفتن دچار کرم زدگی شدن دچار بیدزدگی شدن پا به ماه بودن

ساخت تجربه‌گر در اغلب دیگر گویش‌های تاتی با استفاده از ضمائر پی‌بستی ساخته می‌شود. در دیگر گویش‌های تاتی در این جملات، ضمیر پی‌بستی به فاعل جمله اشاره دارد و معمولاً نیازی به بیان آشکار فاعل نیست. فعل این جملات همواره به صورت سوم شخص مفرد مذکر به کار می‌رود و برخلاف دیگر جملات، بین فاعل و فعل مطابقه‌ای وجود ندارد. مثال‌های زیر نمونه‌هایی از این ساخت در دیگر گویش‌های تاتی است:

28) bad-em bām-e.
bad-1Sg come.Pst-3Sg.M

بدم آمد. (کرینی)

- 29) bad-emān bām-e.
bad-1Pl come.Pst-3Sg.M
بدمان آمد. (کرینی)
- 30) em kādo ku xoš-er bām-e?
this present Post:from like-2Sg come.Pst-3Sg.M
از این کادو خوشت آمد؟ (کرینی)
- 31) velley-e jeGla vār axm-eš kard-a.
small-Obl child.Dir like frown-3Sg do.Prs-3Sg.M
مانند بچه‌های خردسال اخم کرده است (کرینی)
- 32) xiyāl-em nome.
mind-1Sg not.come.Pst.3Sg.M
یادم نیامد. (تاکستانی)
- 33) xoš-em bome.
like-1Sg come.Pst.3Sg.M
خوشم آمد. (تاکستانی)
- 34) xoš-i mome.
like-2Sg come.Pst.Cont.3Sg.M
خوشت می‌آمد. (تاکستانی)
- 35) amad bad-eš bome.
PN.Dir bad-3Sg come.Pst.3Sg.M
احمد بدش آمد. (تاکستانی)
- 36) jāve xo bad-em bome.
3Sg.M.Obl Post:from bad-1Sg come.Pst.3Sg.M
از او (مذکر) بدم آمد. (تاکستانی)

از آنجا که ساخت‌های تجربه‌گر در دیگر گویش‌های تاتی با استفاده از ضمائر پی‌بستی ساخته می‌شوند می‌توان نتیجه گرفت که علیرغم مسافت حدوداً ۵۰ کیلومتری رستم‌آباد و جوئن با رشت، ساخت‌های تجربه‌گر در جوینی از زبان گیلکی وام‌گیری شده‌اند.

با بررسی ساخت‌های دارای فاعل تجربه‌گر در این مقاله، پیشنهاد می‌شود در توضیح دستوری فرهنگ تاتی جوینی مشخص گردد که این افعال طبقه‌ای خاص از افعال مرکب این گویش هستند و کاربردی متفاوت دارند و فاعل آنها به نحوی متفاوت از دیگر افعال مرکب نشان داده می‌شود.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق به بررسی ساخت تجربه‌گر در گویش جوینی پرداختیم. تحقیق کنونی نشان داد که ساخت‌های تجربه‌گر در گویش جوینی دارای ویژگی‌های خاصی هستند که آنها را از دیگر گویش‌های تاتی متمایز می‌کند

و از آنجا که این تفاوت را می‌توان تنها در گویش‌های تاتی منطقه رودبار استان گیلان و گویش‌های گیلکی این استان یافت، می‌توان نتیجه گرفت که این تفاوت در اثر تماس زبانی در این منطقه رخ داده است.

بررسی داده‌های این تحقیق نشان داد که ساخت‌های تجربه‌گر در جوبنی دارای ویژگی‌های زیر هستند:

- فعل این جملات فعل مرکب است و با فاعل مطابقت ندارد و دارای شناسه سوم شخص مفرد است.
- فعل این جملات فعلی رخدادی نیست بلکه به نوعی فرایند ذهنی یا حسی اشاره دارد.
- فعل این جملات دارای معنای اصطلاحی (واژگانی) است. مثلاً معنای فعل مرکبی مانند *dəl* «گرفتن» *ā.git.an* «میل داشتن به چیزی» را نمی‌توان از جمع معانی اجزای آن یعنی *dəl* «دل» و *ā.git.an* «گرفتن» به دست آورد.

• افعال این جملات نیازمند فاعلی است که نقش معنایی تجربه‌گر داشته باشد. به عبارت دیگر، در این جملات، نقش معنایی فاعل تجربه‌گر است و نه عامل.

• از آنجا که ضمائر متصل یا واژه‌بستی در گویش جوبنی وجود ندارند، بر خلاف زبان فارسی و برخی گویش‌های تاتی، در این ساخت‌ها هیچ ضمیر متصل یا پی‌بستی به اجزاء فعل مرکب متصل نمی‌شود و در صورتی که فاعل جمله ضمیر باشد، صورت منفصل ضمائر برای نشان دادن فاعل این ساخت‌ها به کار می‌رود.

• فاعل این جملات الزاماً با یکی از واج‌گونه‌های حالت‌نمای غیرمستقیم یعنی *-rā* یا *-ā* یا *-rə* نشان داده می‌شود.

• بر خلاف جملات معمول جوبنی که در آنها به علت وجود مطابقت بین فاعل و فعل، فاعل قابل حذف است، حضور فاعل در ساخت‌های مورد نظر الزامی است و در صورت حذف فاعل، جمله حاصل غیردستوری است.

• همکردهایی که با بخش غیرفعلی در این ساخت‌ها می‌آیند محدود به فعل‌های خاصی همچون افعال *gitan* «گرفتن»، *kordan* «کردن»، *biyan* «بودن»، *ziyan* «زدن»، *katan* «افتادن»، *bardan* «بردن»، *umiyan* «آمدن»، *šīyan* «رفتن» و فعل‌های پیشوندی حاوی آنها است.

منابع

- دبیرمقدم، محمد (۱۳۷۴)، «فعل مرکب در زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی، ش ۱ و ۲، صص ۲-۴۶.
- درزی، علی و دانای طوسی، مریم (۱۳۸۳)، «ساخت غیرشخصی در گویش گیلکی شهرستان لاهیجان»، گویش‌شناسی، شماره ۲، صص ۱۷-۳۶.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۶)، «توصیف افعال مرکب پی‌بستی در زبان فارسی و شیوه ضبط آنها در فرهنگ‌ها»، فرهنگ‌نویسی، شماره ۱، صص ۲۳۶-۲۵۲.

- رستمی سماک، محدثه؛ درزی، علی و دانای طوسی، مریم (زیرچاپ)، «ساخت غیرشخصی در گیلکی شهرستان لنگرود»، جستارهای زبانی.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۵۸)، دستور، سال دوم آموزش متوسطه عمومی رشته فرهنگ و ادب، سازمان کتاب‌های درسی ایران، تهران.
- علیزاده جوئی، علی (۱۳۸۹)، فرهنگ گویش تاتی رودبار زیتون، رستم‌آباد، رحمت‌آباد، رشت: فرهنگ ایلیا.
- کاظم‌پور، رقیه (۱۳۸۹)، توصیف ساخت‌های غیرشخصی در گویش تاتی رودبار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، به راهنمایی دکتر مریم دانای طوسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- گلچین عارفی، مائده (۱۳۹۰)، «بررسی ساخت غیرشخصی در زبان فارسی»، دستور، شماره ۷: ۱۶۲-۱۸۲.
- نجفیان، آرزو و محمدمهدی واحدی لنگرودی (۱۳۸۲)، «دسته‌بندی ساخت‌های غیرشخصی در زبان فارسی»، آموزش زبان و ادب فارسی، سال ۱۷، شماره ۶۷: ۱۸-۲۴.
- واحدی لنگرودی، محمدمهدی (۱۳۸۵)، «بررسی ساخت‌های غیرشخصی (قالبی) در چهار گونه زبانی»، دستور، شماره ۲: ۳۴-۷۰.
- Becher, Jutta (2003), "Experiencer constructions in wolof", *Hamburger Afrikanistische Arbeitspapiere* (HAAP), 2. ([pdf](#))
- Bugenhagen, Robert D. (1990), Experiencer constructions in Mangap-Mbula. *Australian Journal of Linguistics* 10, Pp. 183-215.
- Longacre, Robert E. (1983), *The Grammar of Discourse*. New York, London: Plenum Press.
- Reh, Mechthild (1998-a), Experiens-Konstruktionen in afrikanischen Sprachen: Erkenntnisinteressen, Ansätze, Ergebnisse. In: M. Reh (ed.), Experiens-Kodierung in afrikanischen Sprachen typologisch gesehen: Formen und ihre Motivierungen, Hamburg: Universität Hamburg, Institut für Afrikanistik und Äthiopistik, Pp. 1-22.
- Reh, Mechthild (1998-b), The role of metaphor in grammar: experiencer constructions. In: M. Reh (ed.), Experiens-Kodierung in afrikanischen Sprachen typologisch gesehen: Formen und ihre Motivierungen, Hamburg: Universität Hamburg, Institut für Afrikanistik und Äthiopistik, Pp. 25-40.
- Shokri, Guiti (2010), "Impersonal Constructions in Mazandarani". *Orientalia Suecana*, 59, Pp. 182-191.
- Verbeke, Saartje, Leonid Kulikov and Klaas Willems (2015), "Oblique case-marking in Indo-Aryan experiencer constructions: Historical roots and synchronic variation". *Lingua* 163. Pp. 23-39.